



## The Theory of Joint and Several Liability and Agent's Liability in Commercial Documents in Iranian Law, Uncitral Convention and Geneva Conventions

Muhamad Reza Mahmoodpanah<sup>1</sup>, Bakhtyar Abaslo<sup>2\*</sup>, Mohammad Reza Pirhadi<sup>3</sup>, Heidar Hassanzade<sup>4</sup>

1. PhD Student OF Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 1037-1056

**Article history:**

**Received:** 20 Jul 2023

**Edition:** 6 Sep 2023

**Accepted:** 28 Oct 2023

**Published online:** 3 Jan 2024

### Keywords:

commercial documents, Original, partnership, agency, managers, powers.

### Corresponding Author:

Bakhtyar Abaslo

### Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Department of Law.

### Orchid Code:

0000-0002-6754-880x

### Tel:

09123036224

### Email:

[Abaslob@yahoo.com](mailto:Abaslob@yahoo.com)

### ABSTRACT

**Background and Aims:** Establishing joint liability is one of the crediting methods for commercial documents. The purpose of this article is to examine the theory of joint and several liability and representative liability in commercial documents in Iranian law, the UNCITRAL Convention and the Geneva Conventions.

**Materials and Methods:** The research method is descriptive and analytical and this research is theoretical. The method that has been used to collect information is in the form of a library and it has been done by referring to books and articles.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

**Findings:** In principle, the principal is responsible, the representative is not responsible, however, it requires the protection of the legitimate trust of third parties in good faith, so that in cases where the issuing representative has not declared his position, the holder of the document can consider him responsible based on the appearance of the matter.

**Conclusion:** Considering the special situation of commercial documents in terms of validity and the need for speed in commercial law, it is appropriate that in many cases the representative has the same responsibility as the original, but in some cases imposing responsibility on the representative is considered unnecessary, which is in conflict with It is considered the main rights of the representative, which needs to be adjusted.

### Cite this article as:

Mahmoodpanah M R, Abaslo B, Pirhadi M R, Hassanzade H. The Theory of Joint and Several Liability and Agent's Liability in Commercial Documents in Iranian Law, Uncitral Convention and Geneva Conventions.. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

### تئوری مسئولیت تضامنی و مسئولیت نماینده در اسناد تجاری در حقوق ایران، کنوانسیون آنسیترال و کنوانسیون‌های ژنو

محمدرضا محمودپناه<sup>۱</sup>، بختیار عباسلو<sup>۲\*</sup>، محمدرضا پیرهادی<sup>۳</sup>، حیدر حسن زاده<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** برقراری مسئولیت تضامنی یکی از روش‌های اعتباردهی به اسناد تجاری است. هدف مقاله حاضر بررسی تئوری مسئولیت تضامنی و مسئولیت نماینده در اسناد تجاری در حقوق ایران، کنوانسیون آنسیترال و کنوانسیون‌های ژنو است. **مواد و روش‌ها:** این پژوهش از نوع نظری و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌ها صورت گرفته است. **ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** اصولاً اصیل مسئولیت دارد و نماینده دارای مسئولیت نیست. حمایت از اعتماد مشروع اشخاص ثالث با حسن نیت ایجاد می‌کند تا در مواردی که نماینده صادرکننده سمت خویش را اظهار نکرده است، دارنده سند بتواند با استناد به ظاهر امر، وی را مسئول به‌شمار آورد. دادگاه نیز می‌تواند نماینده‌ای را که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است یا دارای نمایندگی نیست بر اساس قواعد مسئولیت مدنی بسته به مورد به پرداخت تمام یا قسمتی از وجه سند محکوم کند. شایسته است قانون‌گذار مقررات مناسبی برای حمایت بهینه از اشخاص ثالث پیش‌بینی کند.

**نتیجه:** نظر به وضع خاص اسناد تجاری از حیث اعتبار و لزوم سرعت در حقوق تجارت، شایسته است در بسیاری از موارد نماینده همچون اصیل دارای مسئولیت باشد؛ ولی در برخی موارد تحمیل مسئولیت به نماینده امری غیر ضروری تلقی می‌شود که در تضاد با حقوق اصلی نماینده محسوب می‌شود که نیاز به تعدیل آن است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۳۷-۱۰۵۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

#### واژگان کلیدی:

اسناد تجاری، تضامنی، نمایندگی، اصیل، مدیران، اختیارات.

#### نویسنده مسئول:

بختیار عباسلو

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حقوق.

کد ارکید:

0000-0002-6754-880x

تلفن:

۰۹۱۲۳۰۳۶۲۲۴

پست الکترونیک:

[Abaslob@yahoo.com](mailto:Abaslob@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی مورد بحث در نظام حاکم بر مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری، مسئله مسئولیت تضامنی نماینده و اصیل نسبت به تعهدات سند تجاری است. در حقوق ایران در مواردی که چند نفر نسبت به یک دین مسئول پرداخت باشند، اصل بر مسئولیت نسبی است، نه مسئولیت تضامنی؛ اما در اسناد تجاری، تمامی مسئولان سند، از صادرکننده و ظهرنویس، در برابر دارنده سند، مسئولیت تضامنی دارند و در عرض یکدیگر هستند (ماده ۲۴۹ ق.ت. در خصوص اسناد تجاری). بر همین اساس برخی اعتقاد دارند بر مبنای ماده ۴۰۳ ق.ت، مسئولیت نسبی به-عنوان قاعده و اصل در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است و مسئولیت تضامنی خلاف قاعده است و در جایی موضوعیت دارد که قانون یا قرارداد آن را مقرر داشته باشد (حسن‌زاده، ۱۳۹۳، ۳۴). در مقابل، گفته شده است که «مسئولیت تضامنی در حقوق ایران بیشتر در حقوق تجارت و اسناد تجاری مطرح می‌باشد» (ماده ۲۴۹ ق.ت). و در خارج از امور تجارت، خلاف اصل بوده و فقط در صورتی پذیرفته می‌شود که در عقد تصریح گردد. پس می‌توان گفت که در حقوق تجارت ایران اصل بر مسئولیت تضامنی است، اما در حقوق مدنی ایران مسئولیت تضامنی جنبه استثنایی دارد» (دهقان‌سرای و دیگران، ۱۴۰۰، ۸). ماده ۱۹ قانون چک در این راستا چنین بیان می‌دارد: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد صادرکننده و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت چک هستند و به علت وجود تضامن، اجرائیه علیه هر دو نفر صادر می‌شود». بنابراین مطابق این مقرر و معدود مقررات دیگر بحث حدود مسئولیت نماینده در صدور و

ظهرنویسی اسناد تجاری همواره محل تأمل بوده است و اغلب تلاش شده است تا سکوت قانون تجارت در رابطه با مسئولیت تضامنی اصیل و نماینده به قواعد حقوقی مدنی احاله شود و مسئله بر اساس عمومات تحلیل شود. با وجود این باید دید که ذات مقررات تجاری تا چه حد پذیرای این موضوع است و رویکرد سایر مقررات بین‌المللی در این خصوص چگونه است. در خصوص اسناد تجاری پژوهش‌های متعددی انجام شده است. ایوب عسکری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای مزیت قانون صدور چک بر قانون تجارت در خصوص حقوق دارنده چک را بررسی کرده است. کمال نیک‌فرجام (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری (برات، سفته و چک) را بررسی کرده است. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در مقاله پیش‌رو، تئوری مسئولیت تضامنی و مسئولیت نماینده در اسناد تجاری در حقوق ایران، کنوانسیون آنسیترال و کنوانسیون‌های ژنو مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش مقاله بدین شکل قابل طرح است که تئوری مسئولیت تضامنی و مسئولیت نماینده در اسناد تجاری در حقوق ایران، کنوانسیون آنسیترال و کنوانسیون‌های ژنو چگونه است؟ به‌منظور بررسی پرسش مورد اشاره ابتدا تئوری مسئولیت تضامنی و مسئولیت نماینده در اسناد تجاری در حقوق ایران، کنوانسیون آنسیترال و کنوانسیون‌های ژنو در اشخاص حقیقی و سپس در اشخاص حقوقی بررسی می‌شود.

## ۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع نظری و به صورت توصیفی-تحلیلی است. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌ها صورت گرفته است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

اصولا اصل مسئولیت دارد و نماینده دارای مسئولیت نیست. حمایت از اعتماد مشروع اشخاص ثالث با حسن نیت ایجاب می‌کند تا در مواردی که نماینده صادرکننده سمت خویش را اظهار نکرده است، دارنده سند بتواند با استناد به ظاهر امر، وی را مسئول به-شمار آورد. دادگاه نیز می‌تواند نماینده‌ای را که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است یا دارای نمایندگی نیست، بر اساس قواعد مسئولیت مدنی بسته به مورد به پرداخت تمام یا قسمتی از وجه سند محکوم کند. با وجود این با توجه به الزامی نبودن راهکار یادشده برای دادگاه‌ها، شایسته است قانون-گذار مقررات مناسبی برای حمایت بهینه از اشخاص ثالث پیش‌بینی کند.

## ۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری و یافته‌های پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۱. حدود مسئولیت تضامنی امضاکنندگان سند تجاری در حقوق ایران، کنوانسیون آنسیترال و کنوانسیون‌های ژنو

«موضوع سند تجاری مربوط به تعهد به پرداخت مبلغ معینی پول است» (لارنس، ۲۰۱۵، ۲۰). «علی‌رغم اینکه برات و چک به صورت دستور پرداخت صادر می‌گردند و هم‌چنین دستورگیرنده وجه سند را پرداخت خواهد کرد، صادرکننده نیز پرداخت وجه سند تجاری توسط دستورگیرنده را تضمین می‌نماید و اگر وجه سند توسط دستورگیرنده یا محال‌علیه، پرداخت نشود دارنده می‌تواند به صادرکننده هم رجوع کند. البته باید گفت که محال‌علیه برات هم در صورت امضا و قبولی برات تعهد براتی دارد و ملتزم به پرداخت وجه سند است. در مورد چک نیز اگرچه قبولی به معنای خاص آن وجود ندارد، اما بانک محال‌علیه به میزان موجودی حساب صادرکننده متعهد به پرداخت است» (کورلی؛ شهیدد، ۲۰۱۶، ۲۴۳).

بر اساس قواعد حاکم بر اسناد تجاری، «همه افراد» که به عنوان ضامن یا ظهرنویس، سند تجاری را امضا می‌نمایند، در برابر دارنده سند تجاری و ایادی مابعد خود، دارای تعهد هستند. این تعهد در علم حقوق تحت عنوان تعهد براتی نامیده می‌شود و از امضای ورقه تجاری ناشی می‌گردد» (اسکینی، ۱۳۹۵، ۵۰). «حق رجوع دارنده به متعهد سند تجاری در صورتی فراهم است که در مهلت مقرر سند را از پرداخت

اگرچه اصطلاح نمایندگی مطلق و عام است و تمام موارد وکالت، ولایت، وصایت، قیمومت و نمایندگی تجاری موضوع ماده ۳۹۵ ق.ت و حق‌العمل‌کاری موضوع ماده ۳۵۷ ق.ت و نیابت را در بر می‌گیرد؛ ولی در خصوص اسناد تجاری منظور از نمایندگی، صرفاً نمایندگی قراردادی (یا به عبارتی وکالت) است.

بر اساس قواعد کلی وکالت در حقوق مدنی، هر کسی که خود توانایی انجام عمل حقوقی مشخصی را دارد، می‌تواند انجام آن را به شخص دیگری (وکیل یا نماینده) محول کند (ماده ۶۶۲ ق.م).

در رابطه با صدور اسناد تجاری به نمایندگی ماده ۲۲۷ ق.ت در مورد صدور برات توسط نماینده اشعار داشته: «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود».

ماده ۱۹ قانون صدور چک هم در رابطه با صدور چک به وکالت یا نمایندگی است. «در این ماده برخلاف ماده ۲۲۷ ق.ت نحوه مسئولیت نماینده صادرکننده چک نیز مشخص گردیده است و آن داشتن مسئولیت کیفری صدور چک بلامحل به‌طور مستقل و مسئولیت تضامنی با صاحب حساب در مورد وجه چک و کلیه خسارات می‌باشد. ماده ۱۹۰ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا در خصوص مسئولیت نماینده صادرکننده چک می‌باشد. طبق این ماده همانند ماده ۱۹ قانون صدور چک، نماینده صادرکننده به همراه صاحب حساب (اصیل) مسئولیت تضامنی دارد و در هر دو ماده فوق از نماینده صادرکننده به عبارت صادرکننده چک و از اصیل به عنوان صاحب حساب یاد شده است» (حسن-زاده، ۱۳۸۷، ۱۰۱-۱۰۰). همین معنا را می‌توان در ماده ۹ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷

کننده مطالبه نموده و در صورت عدم تأدیه آن را واخواست کرده یا برگشت زده باشد. در این حالت، مسئولیت تضامنی امضاکنندگان محقق می‌گردد» (محسنی، ۱۳۹۱، ۱۱۰).

«مسئولیت تضامنی امضاکنندگان سند تجاری دارای مبنای قانونی و ارادی است» (صفری، ۱۳۸۸، ۱۴۲). «قانون‌گذاری برای اینکه بتواند کارکرد اقتصادی سند تجاری کلیه امضاکنندگان را تأمین نماید، آن را مسئول تأدیه وجه ورقه تجاری دانسته است و فلسفه این قاعده افزایش کارایی این سیستم پرداخت غیر نقدی و همچنین کاهش ریسک نکول محال‌علیه سند تجاری است» (مک‌جان، ۲۰۱۲، ۶۹). «از نظر حقوقی، تعهد امضاکنندگان ورقه تجاری یک تعهدی ارادی محسوب گشته و در تحلیل‌های حقوقی، هر یک از امضاکنندگان سند تجاری با اراده خود تأدیه شدن ورقه تجاری را تضمین می‌نماید» (عبدی‌پور فرد و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۲۲).

مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری را باید نهاد حمایتی عنوان کرد که از دائن در برابر مدیون با ابزارهای بیشتر و امن تر محافظت می‌کند به این صورت که دائن جهت پرداخت دین اطمینان بیشتری کسب می‌کند تأکید بر ارادی بودن ایجاد مسئولیت تضامنی نشان از آن دارد که ممکن است شخص ضامن هیچ سودی در ایجاد تعهد علیه خود نداشته باشد که عملاً او صرفاً جهت کمک به مدیون اصلی تلقی می‌شود.

## ۵-۱-۱. صدور اسناد تجاری به نمایندگی

که جایگزین ماده ۲۳ سابق شده است نیز ملاحظه کرد.

در کنوانسیون آنسیترا ل چنین بیان شده است: «سند ناقص که شرایط مقرر در پارگراف ۱ ماده ۱ را داشته و متضمن امضای صادرکننده یا محال علیه برات باشد یا شرایط مقرر در پارگراف ۲ ماده ۲ و بند ۵ پارگراف ۲ از ماده ۳ را داشته باشد؛ اما یک یا چند موارد از شرایط مقرر در مواد ۲ و ۳ را فاقد باشد ممکن است تکمیل شود و سندی که هب این شکل تکمیل می شود، اعتبار سفته و برات را خواهد داشت.

ماده ۳ قانون یکنواخت ژنو در مورد برات و سفته همچون ماده ۲۲۷ ق.ت، مقرر کرده است که برات ممکن است به حساب شخص ثالثی صادر شود؛ بدین ترتیب امکان صدور برات بوسیله نماینده پیش‌بینی گردیده است و نماینده مزبور باید اختیار لازم برای انجام امور وکالتی را دارا باشد (اسکینی، ۱۳۶۹، ۲۷).

در همین راستا و مستنبط از ماده ۸ قانون فوق‌الذکر، برای مسئول تلقی نشدن نماینده در برابر دارنده سند می‌باید نماینده برای صدور سند از اختیار برخوردار باشد و در همان حدود اختیارات خود عمل کند و هم‌چنین باید سمت خود را ابراز کند که در این صورت صرفاً برات‌دهنده اصیل مسئولیت تضامنی دارد.

ماده ۸ قانون یکنواخت ژنو نیز در خصوص نماینده صادرکننده برات و سفته اشعار می‌دارد:

«هرکس امضای خود را به‌عنوان نماینده شخصی در ورقه برات منعکس نماید، بدون اینکه قانوناً اختیار چنین عملی را از جانب او داشته باشد، مثل دیگر متعهدان سند مسئول است، و اگر وجه سند را

پرداخت کند دارای حقوق همان شخصی خواهد بود که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، جاری است» (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ۲۸). و البته ماده ۱۱ کنوانسیون‌های ژنو در خصوص چک اشعار داشته است: «هرکس بدون داشتن اختیار، چکی را به‌عنوان نماینده شخصی امضا کند، به‌عنوان طرف چک مسئول می‌باشد و در صورتی که وجه چک را تأدیه نماید دارای حقوق همان فردی می‌باشد که از ناحیه وی مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، جاری می‌باشد».

«با عنایت به اینکه در قانون تجارت راجع به مسئولیت نماینده، غیر از ماده ۱۹ قانون صدور چک که مسئولیت تضامنی صادرکننده چک به عنوان وکیل یا نماینده صاحب حساب و شخص صاحب حساب را پیش‌بینی نموده، مقرر دیگری که بتوان آن را به عنوان قاعده‌ای کلی به سایر اسناد براتی تسری داد، یافت نمی‌شود» (پاسبان، ۱۳۹۰، ۲۱۱). بنابراین برای مرتفع ساختن این خلأ، می‌باید قواعد عمومی موجود در مقررات حقوق مدنی اعمال شود و به قاعده کلی عدم مسئولیت نماینده در قانون مدنی تمسک جست.

در این رابطه ماده ۶۷۴ ق.م، موکل را ملزم به انجام تمامی تعهداتی می‌داند که وکیل در حدود اختیارات خود برای او به بار آورده است. تعهدات و اعمال حقوقی که وکیل به نمایندگی از موکل امضا می‌کند مستقیم برای موکل محسوب می‌شود و وی را در برابر اشخاص ثالث متعهد می‌کند. به‌علاوه، از مجموع قواعد راجع به وکالت، چنین مستفاد می‌شود که غیر



است که به سمت نمایندگی در سند اشاره شود و همچنین نام اصیل در آن قید شود. البته لزوم اشاره به سمت نمایندگی مورد اتفاق می‌باشد، لیکن در خصوص ضرورت درج نام اصیل اختلاف نظر است.

به‌طور کلی مسئولیت نماینده وابسته به شرایطی است که نماینده به عنوان نمایندگی و وکالت خویش تصریح کرده باشد، والا عدم تصریح به نمایندگی حین امضای سند مسئولیت ناشی از امضای آن را متوجه نماینده امضاکننده می‌نماید و نه اصیل؛ اگرچه او اثبات کند که امضای سند به نمایندگی از جانب اصیل بوده است. در این فرض اثبات نمایندگی میان نماینده و اصیل دارای اثر خواهد بود و تأثیری در رابطه میان نماینده و شخص ثالثی که نسبت به سمت نمایندگی آگاهی ندارد و صرفاً به ظاهر سند اتکا کرده است، نخواهد داشت (حسینی، ۱۳۷۸، ۷۴).

در بعضی نظام‌های حقوقی نظیر نظام حقوقی کامن لا، ذکر کردن نام اصیل و شناساندن وی اثری در قواعد نمایندگی نداشته و همین که نماینده اعمال خویش را با اختیار اعطایی از ناحیه اصیل صورت دهد، برای تحقق نمایندگی کفایت می‌کند که تئوری معروف اصیل افشانشده حاکی از این موضوع است (مان؛ رابرتز، ۲۰۰۵، ۵۱۳). در خصوص اسناد تجاری، باید حتی‌المقدور بر اعتبار آن‌ها اضافه کرد. در این راستا انتقال‌گیرنده سند تجاری باید بتواند به‌راحتی انتقال‌دهنده اصلی سند را بشناسد و بر مبنای شناخت و اعتبار وی سند را دریافت کند. بنابراین ضروری است تا نماینده نام منوب‌عنه خویش را در سند ذکر کند و بدین‌وسیله اصیل متعهد اصلی سند قلمداد شود. وگرنه در صورتی که نماینده، اصیل خویش را فاش نکند و در سند تجاری نام وی را قید

از مواقعی که وکیل مرتکب تقصیر شده باشد و یا اقدام او خارج از حدود اذن یا عرف باشد، قاعده اولیه مسئولیت اصیل (موکل) و به عبارت دقیق‌تر، عدم مسئولیت نماینده است.

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان، «در صورتی که وکیل یا نماینده در صدور و امضای اسناد تجاری دارای حقوق و اختیارات لازم باشد، موکل یا اصیل به نحو صحیح متعهد پرداخت وجه موضوع سند می‌باشد و وکیل و نماینده مسئولیتی نخواهد داشت» (اسمیت؛ سوبرمن؛ ایسون، ۲۰۰۷، ۳۸۷). این مسئله نیاز به تصریح داشته و می‌باید در متن سند این امر که امضای نماینده به حساب شخص او نبوده و از جانب موکل یا اصیل است، ذکر شود (اخلاقی، ۱۳۷۰، ۹۵).

در نتیجه، چنانچه شخصی بدون داشتن نمایندگی از طرف دیگری و یا خارج از حدود اختیارات محول شده، سند تجاری را امضا کند، در این صورت شخص امضاکننده می‌بایست مسئولیت ناشی از امضای خود را عهده‌دار گردد و شخص اصیل مسئولیتی ندارد.

## ۵-۱-۲. عدم اعلام نمایندگی

در این قسمت موردی بررسی می‌شود که صادرکننده در واقع سمت نمایندگی را داشته و با داشتن این سمت به امضای سند اقدام کرده، اما چون سمت او از دید دارنده‌ای که با اعتماد به ظاهر سند آن را می‌پذیرد، پنهان مانده؛ لذا در برابر دارنده، نه نماینده بلکه اصیل محسوب می‌شود.

یکی از عوامل تحقق صدور سند به نمایندگی و مسئول شناختن اصیل به سبب امضای نماینده آن

کند و این امر در تعارض با اصل اعتبار در اسناد تجاری است. از این رو است که نماینده در چنین فرضی به دلیل تسامح شخصی مسئول سند محسوب می شود.

مستفاد از بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترا ل چنین است که اگر صادرکننده با بهره‌مندی از اختیارات لازم به منظور امضای سند تجاری، سمت نمایندگی خویش و نام شخصی که نمایندگی را به او واگذار کرده است را در سند قید کند مسئولیت بر عهده نماینده نخواهد بود (نیک فرجام، ۱۳۹۲، ۱۸۴).

در نتیجه کنوانسیون مورد اشاره به صورت توأمان، هم درج عنوان و هم ذکر اسم اصیل را برای معافیت از مسئولیت نماینده ضروری دانسته است. این در شرایطی است که در کنوانسیون ژنو به موجب ماده ۸، تنها اشاره به نمایندگی نیاز است. به بیان بهتر، در کنوانسیون آنسیترا ل اشاره به عنوان نمایندگی، بدون ذکر اسم اصیل جهت رهایی نماینده از مسئولیت کافی نبوده، ولی در کنوانسیون ژنو اشاره به سمت نمایندگی با فرض اختیار داشتن او، برای مبری شدن نماینده کفایت می نماید، ولو آنکه اسم اصیل ذکر نشده باشد (کاویانی، ۱۳۸۹، ۱۵۰).

با عنایت به اینکه در این رابطه قانون تجارت ما ساکت بوده است و مقرره‌ای پیش‌بینی نکرده است، مراجعه به عمومات حقوق مدنی و اصول حاکم بر حقوق تجارت انکارناشدنی است:

در حقوق مدنی، نسبت به وضعیتی که نماینده حین انعقاد عقد نمایندگی خود را افشا نمی‌کند، میان حقوق دانان اختلاف دیده می‌شود و عده‌ای را عقیده

نکند، مسئولیت ناشی از صدور سند با نماینده است. هرچند نیت او بر صدور سند از سوی اصیل باشد. این قاعده در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته و مقررات بعضی کشورها در این باره صراحت داشته‌اند.

مسئله تصریح به نمایندگی در مقررات بروات انگلستان به روشنی بیان شده است. چنان‌که در بخشی از بند ۱ ماده ۲۶ قانون مزبور عنوان شده است: «کسی که براتی را به عنوان براتکش، ظهرونیس یا قبول‌کننده، امضا و جملاتی را می‌افزاید که حاکی از این است که وی برات را برای یا از جانب اصیل و یا به عنوان نمایندگی امضا نموده، به طور خاص مسئولیتی بابت امضای خود ندارد...» (واکر، ۱۹۸۰، ۴۱).

بعضی حقوق‌دانان معتقد هستند: «چنانچه نماینده دارای اختیار دو مسئله را در امضای سند لحاظ نماید تعهد ناشی از آن به اصیل باز می‌گردد. اول قید نام اصیل و دوم ذکر نام خویش به عنوان نماینده» (مان؛ رابرتز، ۲۰۰۵، ۵۱۳).

به عبارت دیگر، در مورد مسئولیت تضامنی، نسبت به اشخاص حقیقی، شخصی غیر از شخصی که چک در حسابدی توسط وی صادر شده است، دارای مسئولیت نیست (گویندرجان، م، ۲۰۲۱).

صرف اشاره به سمت نمایندگی، او را از مسئولیت معاف نمی‌کند، بلکه نماینده در صورتی از مسئولیت رهایی می‌یابد که جدا از ذکر سمت نمایندگی، به نام اصیل نیز اشاره کند؛ زیرا تا زمانی که نام اصیل مشخص نشود، ذی‌نفع سند سردرگم است و نمی‌داند جهت دریافت مبلغ سند باید به چه شخصی مراجعه



بر آن است که همه اعمال حقوقی تحت حاکمیت اراده باطنی بوده و اراده ظاهری در ثبوت نقشی ندارد.

لیکن امروزه دیگر نمی‌توان از قواعد حقوق مدنی به منظور دستیابی به مقاصد حقوق تجارت استفاده نمود، بی آنکه مقتضیات اصلی این حوزه را مد نظر قرار داد. نماینده نمی‌تواند در آخرین لحظه به افشای واقعیت بپردازد و جریان را به سود خود تغییر دهد. متعاملین را باید پایبند به ظاهری دانست که حین امضای قرارداد وجود داشته است (حاجیان، ۱۳۸۶، ۲۰۵).

به همین دلیل و نیز با توجه به اینکه قید اسم متعهد پرداخت سند از ارکان صحت امضای سند تجاری است و قانون تجارت ما نیز شرط مزبور را پیش‌بینی کرده است؛ بنابراین قید عنوان و اسم اصیل در صدور اسناد تجاری به نمایندگی، منطبق با اصول کلی حقوقی، کنوانسیون‌ها و قانون تجارت است و باید اذعان کرد در صورت عدم ذکر هر یک از آن‌ها (عنوان و اسم اصیل)، نماینده در برابر دارنده ثالث مسئولیت تضامنی دارد.

اگر اسم مؤسسه یا شرکتی که امضا از جانب آن انجام می‌گیرد، در سند ذکر شود و پیش از اسم شرکت یا بعد از آن، اسم فرد امضاکننده (مثلاً مدیر شرکت) ذکر شود، باید گفت امضا برای شرکت محسوب شود و متعهد سند تجاری شخص حقوقی است. چرا که ذکر اسم شرکت یا مؤسسه، حاکی از نمایندگی شخص امضاکننده از ناحیه آن شخص حقوقی است (حسینی، ۱۳۷۸، ۷۴).

البته شاید بتوان گفت بهتر است در این فرض میان اصیل و نماینده مسئولیت تضامنی پیش‌بینی شود؛

در واقع پیش‌بینی مسئولیت تضامنی در این مورد نه تنها خللی به حقوق شخص ثالث وارد نمی‌آورد، بلکه منافع او را به‌نحو بهتری تضمین می‌کند و با اضافه شدن ذمه اصیل به اشخاص متعهد در برابر او، شرایط مطلوب‌تری برای او به‌همراه خواهد داشت. از طرفی، این امر مخالف با حقوق اصیل نیز نیست؛ درست است که در نگاه نخست وکیل در برابر ثالث متعهد شده و این امر به‌معنای مسئولیت برای او می‌باشد که محل حقوق اصیل تلقی می‌گردد، اما زمانی که به رابطه قراردادی میان اصیل و وکیل بنگریم، ملاحظه می‌شود که اصیل نیز چیزی غیر از این را مد نظر نداشته است و او درصدد بوده است به‌وسیله نماینده خود، در برابر ثالث متعهد شود. حال آنچه سبب متعهد نشدن او شده است، تخطی نماینده از ذکر سمت نمایندگی خود بوده است. این مسئله به‌نحوی نیست که برقراری مسئولیت تضامنی میان اصیل و نماینده در فرض مورد بحث را دچار مشکل و با ایراد مواجه کند. در واقع، در چنین فرضی اصیل باید بابت قصد و اراده اولیه خود در قرارداد با وکیل، در مقابل شخص ثالث دارای مسئولیت باشد و وکیل نیز به سبب تخطی خود از بیان عنوان نمایندگی و فریب دارنده باید دارای مسئولیت باشد.

به هر حال، گفته شده است، در مواقعی که نماینده عنوان نمایندگی خود را در سند قید نمی‌کنند؛ ولی شخص ثالث نسبت به نمایندگی وی مطلع است، مسئولیت متوجه اصیل خواهد بود (اسکینی، ۱۳۹۵، ۵۴). بر این اساس، باید مسئولیت نماینده را در موردی محقق دانست که ثالث، نسبت به اینکه نماینده قصد قبول تعهد با امضای سند را ندارد، آگاهی نداشته باشد.

و توسط قبض و اقباض (در اسناد حامل یا در حکم حامل) یا انتقال در سند مجزا هم قابل واگذاری می-باشند. قابلیت نقل و انتقال اسناد تجاری (ظهنویسی) از چنان اهمیتی برخوردار می باشد که بعضاً اسناد تجاری را اسناد قابل معامله می نامند» (کاویانی، ۱۳۸۹، ۸۸).

اما نمایندگی در ظهنویسی اسناد تجاری به معنای اعطای اذن و اختیار از ناحیه اصیل (منوب عنه یا دارنده)، خواه شخص حقیقی یا حقوقی، به نماینده برای عمل ظهنویسی و واگذاری سند تجاری به دیگری می باشد (حسن زاده، ۱۳۸۷، ۹۹). در حالی که، ظهنویسی از جانب نماینده، در هر سه قسم از ظهنویسی که به منظور انتقال، وکالت و وثیقه صورت می گیرد موضوعیت داشته و بدین نحو است که دارنده سند، چه شخص حقیقی یا حقوقی عمل ظهنویسی را به وسیله نماینده خویش انجام می دهد، اما در هیچ یک از مقررات مرتبط با حقوق تجارت، نسبت به نمایندگی در ظهنویسی اسناد تجاری (برات، سفته و چک) سخن به میان نیامده است.

در دکترین مربوطه نیز تنها برخی تلویحاً به نمایندگی در ظهنویسی اشاره کرده اند از جمله اینکه: مدیر تصفیه شرکت منحل یا ورشکسته در راستای قانون از اختیار ظهنویسی اسناد تجاری برخوردار است. در این حال، نماینده، شخص منوب-عنه را متعهد نموده و خود در صورتی که اعمال انجام شده از حیث اختیارات مصرح، صحیح و قانونی تلقی شود، مسئول نخواهد بود (صفری، ۱۳۸۸، ۱۴۰). هم-چنین گفته شده است، چنانچه سند توسط شرکت ظهنویسی می شود، می باید برابر مواد ۱۱۸ لایحه

البته اگر قائل به مطلبی بود که پیش تر گفته شد، می باید نماینده را به صرف تخطی در تکلیف و وظیفه قانونی (ماده ۱۹۶ ق.م) و عدم اعلام نمایندگی مسئول دانست. در واقع نماینده از باب تقصیر، باید پاسخ گوی امضایی باشد که با کتمان نمایندگی، علی الظاهر به عنوان طرف اصلی قرارداد درج کرده است. با این حال، شاید بتوان گفت چنین مسئولیتی نیز سخت-گیرانه است؛ زیرا به هر حال در این فرض ثالث نسبت به وکالت نماینده مطلع بوده است و حتی اگر نماینده قصد فریب ثالث را داشته است، فریبی محقق نشده است که به تبع آن ثالث متضرر شده باشد. هم چنین ماده ۱۹۶ ق.م در انتهای آن قیدی دارد مبنی بر اینکه «بعد از عقد خلاف آن ثابت شود». در این رابطه ایرادی در اینکه امر خلاف در زمان عقد اثبات شود، ملاحظه نمی شود. با این وصف می توان اذعان کرد در فرضی که ثالث به عنوان نمایندگی اطلاع دارد، در زمان عقد اثبات شده است که معامله برای امضاکننده نیست و وی فقط نماینده است.

### ۵-۱-۳. ظهنویسی اسناد تجاری به نمایندگی

ظهنویسی عملی است که بر اساس آن، دارنده سند تجاری همه یا بخشی از حقوق خویش را به دیگری منتقل می کند.

بنابراین ظهنویسی فرآیند انتقال قانونی (تجاری) اسناد تجاری به اشخاص ثالث بوده و معمولاً از ناحیه دارنده سند در پشت سند با امضا یا مهر صورت می-گیرد. دارنده قبلی ظهنویس تلقی گردیده و شخص ثالث، دارنده جدید به شمار می آید. «البته، اسناد تجاری صرفاً بوسیله ظهنویسی قابل واگذاری نبوده

ای صحبت می‌کند که اولاً صادرکننده برات و سفته است نه نماینده ظهرنویس. ثانیاً این نماینده فاقد اختیار الزام برای نمایندگی است یا از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است که در این خصوص ماده ۸ مقرر می‌دارد: «هرکس امضا خود را به‌عنوان نماینده شخصی در ورقه برات منعکس نماید بدون اینکه قانونی اختیار چنین عملی را از جانب او داشته باشد مثل دیگر متعهدان سند مسئول است و اگر وجه سند را پرداخت کند دارای حقوق همان شخصی خواهد بود که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، جاری است».

#### ۵-۱-۴. مسئولیت تضامنی نماینده ظهرنویس

«در مواردی که شخص حقیقی، دارنده اسناد تجاری بوده و در وجه وی صادر گردیده یا بعداً به نفع وی ظهرنویسی شده و بخواهد آن را از طریق نماینده خود به نفع شخص ثالثی ظهرنویسی نماید، در مورد مسئولیت یا عدم مسئولیت اصیل یا نماینده و نحوه مسئولیت هر یک، فروض مختلفی متصور خواهد بود» (پاسبان، ۱۳۹۰، ۲۱۱). اما پیش از ورود به بررسی مقررات داخلی، شایان ذکر است با مذاقه در مواد ۸ قانون متحدالشکل ژنو در رابطه با برات و سفته و ماده ۱۱ این قانون در مورد چک، مشخص می‌شود که مقررات مزبور برخلاف مقررات داخلی ایران، در مورد مسئولیت نماینده صادرکننده برات، سفته و چک و کیفیات آن قواعدی پیش‌بینی کرده است. پرسشی که از جانب برخی طرح می‌شود آن است که آیا مواد مذکور را می‌توان در مورد ظهرنویسی برات، سفته و چک به‌وسیله نماینده نیز

اصلاحی و ماده ۱۰۵ ق.ت. دارای امضای مدیران صاحب امضا نیز باشد که این امر مؤید نمایندگی در ظهرنویسی است (صفری، ۱۳۸۸، ۱۳۱).

عده‌ای هم بیان داشته‌اند: «هر کسی امضای خود را بر روی برات به عنوان نماینده شخص دیگری بگذارد که از طرف او وکالت در عمل ندارد، خودش به موجب براتی که امضا کرده است، متعهد است و در صورتی که برات را پرداخت کند دارای کلیه حقوقی است که موکل مورد ادعای او دارد و برای نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است، به همین ترتیب عمل می‌شود» (ستوده تهرانی، ۱۳۸۵، ۲۹-۲۸).

قانون متحدالشکل ژنو تصریح بیشتری در مورد رژیم حقوقی ظهرنویسی برای نمایندگی دارد. به موجب ماده ۱۲ قانون مزبور: «وقتی که ظهرنویسی حاوی عبارت ارزش برای دریافت، رأی وصول، به وکالت یا هر نوع عبارت دیگری باشد که وکالت ساده را می‌رساند، دارنده برات می‌تواند کلیه حقوقی را که از برات ناشی می‌شود، اجرا کند؛ ولی نمی‌تواند برات را جز برای وکالت ظهرنویسی کند». در این صورت، مسئولان سند فقط همان ایراداتی را می‌توانند علیه ظهرنویس اقامه کنند که حق اقامه آن‌ها را در مقابل دارنده دارند. قسمت اخیر ماده ۳ قانون ژنو در خصوص برات و سفته مقرر می‌دارد: «ممکن است برات به حساب شخص ثالث صادر گردد». در واقع همانند ماده ۲۲۷ قانون تجارت ایران در قسمت اخیر ماده ۳ قانون فوق امکان صدور برات توسط نماینده پیش‌بینی شده است که نماینده مزبور باید اختیار لازم را جهت انجام مورد وکالت داشته باشد. ماده ۸ قانون ژنو در خصوص برات و سفته، در مورد نماینده-

جاری دانست؟ در پاسخ دو رویکرد مد نظر قرار گرفته است:

اول، استدلال شده است که اگرچه مواد مذکور ذیل عنوان در تنظیم و شکل ظاهری اسناد هستند و علی‌اصول باید تنها شامل صدور برات و سفته و چک از ناحیه نماینده باشند؛ اما «شاید بتوان گفت که این مواد کلی بوده و شامل ظهرنویسی از جانب نماینده هم می‌شود؛ چرا که اولاً در مواد ۸ و ۱۱ از شخص اصیل با عنوان شخص نام‌برده شده است و برات-دهنده استعمال نشده است. درحالی که چنانچه مقصود قانون‌گذار در این مواد، صدور برات از جانب برات‌کش بود، باید به جای کلمه کلی شخص از کلمه برات‌دهنده استفاده می‌کرد. ثانیاً در بخش اول قانون یکنواخت ژنو در رابطه با برات و سفته که شامل ۱۰ ماده در مورد تنظیم و شکل ظاهری برات است، غیر از ماده ۸، ماده ۷ هم شامل قاعده کلی بوده (اصل استقلال امضاها) و تنها شامل صدور برات نمی‌شود» (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۱۴).

قانون‌گذار در ماده ۱۹ ق.ص.ج و ۱۹۰ آ.ا.م.ا.ر.ل، و اخیراً تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح قانون صدور چک (ماده ۵ مکرر)، در مقام بیان مسئولیت نماینده صادرکننده چک است و اگر نماینده ظهرنویس چک نیز مسئولیت داشت، آن را ذکر می‌کرد؛ درحالی که چنین نکرده است. به نظر می‌رسد دلیل مسئولیت نماینده صادرکننده چک این است که چک وسیله پرداخت نقدی است و باید به صورت حال صادر شود و نباید وعده‌دار باشد. لذا نماینده در زمان صدور باید از بودن موجودی و محل در حساب اصیل مطمئن شود و سپس چک صادر کند. لذا وقتی که چکی مواجه با عدم پرداخت می‌شود بیانگر این است که

نماینده در حدود نمایندگی عمل نکرده است و موجب اضرار دارنده سند شده است. لذا باید شخصاً نیز مسئول باشد و از سوی دیگر حتی اگر نماینده در حدود نمایندگی عمل نکند؛ ولی به هر دلیلی چک مزبور مواجه با عدم پرداخت شود، مسئولیت نماینده در چهارچوب قاعده تسبیب قابل توجیه است؛ چون در هر صورت نماینده سبب ورود خسارت به دارنده شده است (ابهری و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۴).

با توجه به اینکه چک‌های امروزی اکثراً وعده‌دار صادر می‌شوند و نقش سفته را ایفا می‌کنند و چک وعده‌دار نیز در حقوق ما طبق ماده ۳ مکرر قانون صدور چک و ماده ۱۹۲ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم-الاجرا به رسمیت شناخته شده است، آیا نمی‌توان گفت که در چک‌های وعده‌دار اصولاً نباید نماینده مسئولیت تضامنی داشته باشد. به شرط اینکه برای صدور اختیار و نمایندگی خود را ابراز داشته باشد.

شاید وجود چنین فلسفه‌ای نیز با تردید مواجه باشد. در واقع نماینده تنها از جانب منوب‌عنه خویش دارای سمت نمایندگی است و عهده‌دار وظایفی است که اصیل به وی محول کرده است. او هیچ‌گاه نماینده منتقل‌الیه نیست که تکلیف داشته باشد موجودی صاحب حساب (اصیل) را برای جلوگیری از ضرر منتقل‌الیه مد نظر داشته باشد و بر اساس آن اقدام به صدور چک کند. به نظر می‌رسد پیش‌بینی چنین مسئولیتی برای نماینده، ریشه در نقش چک در عرف تجاری و شیوع آن در مراودات تجاری اشخاص داشته باشد. همین امر است که قانون‌گذار را مجاب کرده است تا مقررات مختلفی را برای چک پیش‌بینی کند و هر چند سال، یک‌بار دست به تغییر مقررات مربوط به چک بزند. نمی‌توان کتمان کرد تأثیر عرف در

باشد، اما نماینده وی که نقش اصلی در مراودات تجاری او را دارد، همواره اقدام به صدور چک کرده است؛ به‌نحوی که وی دارای اعتبار نزد مشتریان شده است. از این رو آن‌ها (دارندگان یا ذی‌نفعان احتمالی) تمایل دارند تا نماینده را به‌عنوان طرف حساب خود نیز تلقی کنند. سخنی گزاف نخواهد بود اگر گفته شود، امضای صادرکننده چک به‌عنوان منشأ اصلی تعهد دارای بیشترین اهمیت است و پس از آن، سایر امضاها تنها نقش تضمین بیشتر را ایفا می‌کنند.

از این رو، قانون‌گذار نیز هم‌سو با نیاز عرف بازرگانان شده و به امضای صادرکننده به‌عنوان نخستین امضا بیشترین تبعات را بار کرده است. مسئولیت تضامنی برای نماینده صادرکننده مقرر شده است تا نقش اعتبار را عینیت دهد. بنابراین حتی افشای نمایندگی نیز نمی‌تواند از مسئولیت او بکاهد و اعتباری که در جهت پذیرش چک ایجاد شده است را از بین ببرد. البته این موضوع به‌معنای نفی کامل دلایل دیگر نیست و باید اذعان داشت مجموعه‌ای از دلایل مقنن را به‌سمت وضع چنین مقرره‌ای و تکرار آن در مقررات دیگر کرده است.

## ۵-۲. مسئولیت نماینده شخص حقوقی در حقوق ایران، کنوانسیون آنسیترا و کنوانسیون‌های ژنو

در مورد شخص حقوقی نیز قاعده کلی این است که چنانچه امضای شخص حقوقی از طرف نماینده به‌نحو صحیح محقق شود، مسئولیت پرداخت سند با خود شخص حقوقی است (امیر معزی، ۱۳۸۸، ۲۹۵). چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، در یک فرض خاص

استفاده از چک به قدری بوده است که حتی هدف اولیه آن به‌عنوان ابزار پرداخت نقدی، به‌طور کامل کنار گذاشته شده است.

مضافاً آنکه می‌توان گفت، فلسفه فوق، مبنی بر لزوم اطلاع نماینده صادرکننده از موجودی وی، در خصوص ظهرنویس نیز صدق می‌کند. اگر در موردی که نماینده با دستور اصیل اقدام به صدور چک می‌کند، فرض شود که نماینده باید از وجود محل و موجودی چک اطمینان حاصل کرده باشد، این مورد چه تفاوتی با فرضی دارد که نماینده با دستور ظهرنویس اقدام به ظهرنویسی می‌کند؟ به نظر می‌رسد آنچه در نظر پنهان مانده آنست که در فرض فوق، نماینده با دستور صادرکننده اقدام به صدور چک نموده است، نه بدون دستور و اطلاع صادرکننده. بنابراین هنگامی که نماینده صرفاً در راستای انجام وظایف نمایندگی اقدام به صدور چک می‌کند، چرا باید به او تکلیف کرد که از موجودی حساب اصیل اطلاع داشته باشد؟ و اگر چنین تکلیفی ضرورت دارد، چرا نماینده ظهرنویس با چنین تکلیفی مواجه نیست؟

پاسخ پرسش اصلی را باید در فلسفه‌ای دیگر جستجو کرد؛ نگارنده معتقد است ماده ۱۹ و ۱۹۰ و ماده ۵ مکرر در قوانین مزبور با در نظر گرفتن عرف حاکم بر چک در مراودات تجاری تدوین شده است. نمی‌توان کتمان کرد که اعتبار نقش اصلی را در بازار کسب و کار ایفا می‌کند. پس بر مبنای اعتبار باید افشای نمایندگی در صدور چک را متفاوت از امور مدنی دانست؛ توضیح آنکه در صدور چک به نمایندگی، اغلب با مواردی مواجه هستیم که شاید ذی‌نفع حتی صاحب حساب اصلی را هیچ‌گاه از نزدیک رؤیت نکرده

مردم به استفاده از چک به جای دریافت پول نقد و در نهایت بالا رفتن اعتبار و ارزش چک بوده است.

البته پیش‌بینی مسئولیت برای نماینده شخصیت حقوقی، از نظر وضع حاکم بر شرکت‌های تجاری نیز قابل درک است؛ چه بسا برخی مدیران پس از دوره مدیریت خود، از زیر بار اعمال خویش شانه خالی کنند و پاسخ‌گوی اقدامات خود نباشند. اما چرا نماینده شخص حقوقی که اقدام به ظهرونیسی چک کرده است، دارای مسئولیت تضامنی با شخص حقوقی نیست؟ به نظر می‌رسد مقوله صدور چک از حیث مسئولان آن، متفاوت از ظهرونیسی است. توضیح آنکه در ظهرونیسی چک به هر حال مسئول یا مسئولانی قبل از ظهرونیس وجود خواهند داشت که وجه چک دست کم از آن‌ها قابل مطالبه است؛ ولی در صدور چک چنین وضعی حاکم نیست و امکان دارد صادرکننده به‌عنوان تنها مسئول سند شناخته شود.

قانون متحدالشکل ژنو در موضوع نمایندگی افشانشده حکم صریحی ندارد؛ ولی می‌توان از مالک موادی که ناظر به اعتبار ظاهر سند است مسئولیت چنین نماینده‌ای را استنباط کرد. برای مثال ماده ۱۰ قانون مذکور مقرر داشته است: «اگر براتی که هنگام صدور متن آن هنوز تکمیل نشده است به‌نحوی غیر از توافق قبلی طرفین کامل شود، عدم رعایت چنین توافقی علیه دارنده سند مسموع نیست ...». از این رو وقتی که در روی برات شخصی برای موقع ضرورت جهت قبولی یا پرداخت در محل تأدیه معین شده است، دارنده نمی‌تواند حق رجوع خود را علیه شخص تعیین‌کننده و ظهرونیسان پس از او اعمال کند. به موجب ماده ۹ قانون متحدالشکل ژنو درباره برات و

قانون‌گذار استثنائاً علاوه بر شخص حقوقی، نماینده را هم به‌صورت تضامنی با شخص حقوقی مسئول قلمداد کرده است. مطابق ماده ۱۹ ق.ص.چ که پیش‌تر هم اشاره شد: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود». بدین ترتیب باید اذعان کرد در موردی هم که مدیرعامل شخص حقوقی مثلاً یک شرکت سهامی خاص، از جانب شرکت چکی صادر کند و پیش از سررسید چک مزبور از سمت خود کناره‌گیری کرده باشد، برای پرداخت مبلغ چک مسئول خواهد بود، ولو آنکه سهام خود در شرکت را هم بفروشد و هیچ سمت دیگری در آنجا نداشته باشد.

به‌ظاهر فلسفه پیش‌بینی ماده ۱۹ قانون مذکور برای شخص حقوقی، اهمیتی است که مقنن برای چک در برابر سایر اسناد تجاری قائل شده، باید اذعان نمود که دلیل منطقی و عقلانی، همانا پیش‌گیری در سوءاستفاده از چک و اعتباردهی ویژه برای این سند تجاری است که در نتیجه مانع از گسترش صدور چک‌های بلامحل خواهد بود (اخلاقی، ۱۳۷۰، ۲۵۴). در واقع مقنن درصدد بوده است رویکردی خاص به چک داشته باشد و آن را از دیگر اسناد تجاری نظیر سفته و برات تمیز دهد. بنابراین مقصود خود را به وسیله حمایت از ذی‌نفع چک عینیت بخشیده است و به‌منظور افزایش اعتماد عموم جامعه به چک از این ابزار استفاده کرده است که نتیجه عملی آن، تشویق



برخوردار نیست که به‌تبع انجام آن از جانب نماینده وی موضوعیت یابد یا حتی خود بتواند تعهداتی را عهده‌دار شود. لازم به ذکر است از سال ۱۸۸۵، انجام اقدامات فراتر از اختیار شرکت‌ها تبدیل به یک نگرانی جدی در سیاست حقوق شرکت‌ها در انگلیس شد (میلن، ۲۰۰۹، ۴۶).

با قبول دیدگاه ایجاد شخصیت حقوقی با ثبت، چنین استنباط می‌شود که تمام اقداماتی که پیش از ثبت، به نام شخص حقوقی انجام می‌شود، از جمله امضای اسناد تجاری، منتسب به شرکت نبوده و صرفاً مؤسسان امضاکننده واجد مسئولیت خواهند بود. در حقیقت نماینده هم‌زمان با آنکه ادعای مسئولیت منوب‌عنه را می‌کند، تلویحاً تعهد می‌کند که به‌منظور متعهد نمودن واجد اهلیت است، حال آنکه شرکتی که دارای شخصیت حقوقی نباشد، اساساً اهلیتی برای صدور امضا یا اعطای نمایندگی ندارد که بتواند متعهد شود. از این‌رو، چنانچه پس از مدتی، شرکتی که سند تجاری از جانب آن امضا شده است ثبت و واجد شخصیت حقوقی مستقل شود، می‌تواند در مقابل ذی‌نفع سند، به عدم اهلیت خود هنگام امضا استناد و آن را به‌عنوان استثنا بر اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات عنوان کند و خود را از مسئولیت مبری سازد.

قبول چنین نتیجه‌ای، با عنایت به اینکه همه اعمال و اقدامات دوره تشکیل تا ثبت شرکت، به نام شخص حقوقی صورت می‌پذیرد با دشواری مواجه خواهد بود و حقوق اشخاص ثالث را به خطر می‌اندازد. به خصوص آنکه مقنن نیز، اقدامات دوره تشکیل شرکت را جز در بعضی موارد که ممنوع تلقی کرده است، بی‌اعتبار ندانسته است. بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که اسناد صادره به نام شخصیت حقوقی

سفته و ماده ۱۲ قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک نیز مقرر نموده: «صادرکننده چک ضامن پرداخت آن است...». به نظر می‌رسد در فرض صدور سند تجاری از سوی نماینده، اصولاً مسئولیت متوجه صادرکننده بوده و نماینده از این بابت مسئول نیست.

## ۵-۲-۱. امضای نماینده حین حیات شخص حقوقی

نماینده باید از جانب شخص حقوقی دارای سمت نمایندگی باشد. هنگامی که امضاکننده سمتی از ناحیه شخص حقوقی نداشته باشد، امضا محقق نخواهد شد (پاسبان، ۱۳۹۰، ۲۱۱). بنابراین هنگامی که از اساس شخصیت حقوقی از نظر قانونی موجودیت نیافته نیز نمایندگی و نیابت محقق نخواهد شد. شخص حقوقی منحل شده هم پس از خاتمه عملیات تصفیه و پایان اعتبار شخصیت حقوقی مشمول همین حکم است.

به‌بیان دیگر، امضای اسناد تجاری از جانب مدیران شرکت‌ها چه به‌عنوان صدور، ظهروپسی و غیره باید بعد از آغاز شخصیت حقوقی و پیش از خاتمه و اضمحلال آن یعنی در بازه زمانی که شخصیت حقوقی باقی است و دارای اهلیت است، صورت گیرد.

در حقیقت ماده ۵۸۳ ق.ت، برای شرکت شخصیت حقوقی متصور شده است و بر همین مبنا آغاز دارا شدن حق و تکلیف به زمان ایجاد شخصیت حقوقی و خاتمه آن، به زوال شخصیت حقوقی وابسته شده است (پاسبان، ۱۳۸۹، ۴۰). شرکتی که هنوز شخصیت حقوقی آن تحقق نیافته است یا شخصیت حقوقی آن خاتمه یافته است، از اهلیت امضای اسناد

چنانچه اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل به عنوان شخص حقیقی، برخی به عنوان صاحبان امضای مجاز معرفی شده باشند، اشخاص مزبور می توانند از ناحیه شرکت چک صادر کنند. حال با توجه به آنکه چک در حکم سند رسمی لازم الاجرا محسوب شده است؛ بنابراین توسط اداره ثبت نیز امکان صدور اجرائیه برای آن فراهم است. در مورد چک های صادره از ناحیه اشخاص حقوقی نظیر شرکت های تجاری، نسبت به اینکه اجرائیه ثبتی باید علیه شخص حقوقی اصیل صادر شود یا نماینده امضاکننده، ابهام وجود دارد (محسنی، ۱۳۹۴، ۴۲).

در این باره قانون صدور چک ساکت است و اصول کلی حقوقی بیانگر صدور اجرائیه علیه اصیل هستند. با وجود این ماده ۲۵۲ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی... سابق (مصوب ۱۳۵۵/۴/۹)، امضاکننده چک و صاحب حساب را متضامناً مسئول پرداخت می - دانست و اشعار می داشت: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار اجرائیه علیه آنها بر اساس تضامن صادر می شود».

دوایر اجرای ثبت، با وجود تصریح مقرر مذکور، از صدور اجرائیه علیه نماینده یا نمایندگان شخص حقوقی صاحب حساب خودداری می کردند. اداره کل دفتر حقوقی سازمان ثبت اسناد در نامه شماره ۱۴/۹۴۳۲ سال ۱۳۷۱ اعلام داشت: «اجرای ماده ۲۵۲ آئین نامه اجرای اسناد رسمی و ماده ۱۹ قانون صدور چک ناظر به مواردی است که چک به نمایندگی یا وکالت از طرف صاحب حساب صادر شده باشد و چکهایی که از سوی شرکت ها یا مؤسسات و

در حال تشکیل، در صورت ثبت شرکت، منتسب به خود شرکت می باشد؛ زیرا ثبت شرکت، به معنای تنفیذ اقدامات دوره پیش از ثبت (دوره تشکیل) نیز بوده و آثار ایجاد شخصیت حقوقی با ثبت، به زمان تشکیل شرکت، یعنی دوره پیش از ثبت هم عطف به ماسبق می شود. در صورتی که اسنادی به نام شرکت در حال تشکیل صادر شود، این اسناد در صورت ثبت شرکت، قابل انتساب به خود شرکت هستند و در صورت عدم ثبت، منتسب به شرکت نیستند و امضا - کنندگان آن رأساً دارای مسئولیت خواهند بود. امری که شاید مخالف با حقوق نمایندگان باشد؛ اما در راستای حفظ حقوق اشخاص ثالثی است که طرف حساب قرار گرفته اند. به خصوص آنکه عدم ثبت شرکت نیز در بسیاری از موارد منتسب به خود مؤسسان است و این امر نیز استقرار مسئولیت برای ایشان را توجیه می کند.

## ۵-۲-۲. مسئولیت تضامنی نماینده در اجرای

### ثبت

با توجه به حکم استثنایی مسئولیت تضامنی در صدور چک که پیش تر گفته شد، در مرحله اجرا و هنگامی که ذی نفع چک بلامحل قصد اجرای آن به - وسیله اداره ثبت را داشته باشد، مسئولیت سند از حیث اجرایی چندان مشخص نیست و در این خصوص که اجرائیه باید علیه چه کسی صادر شود، حکم روشنی وجود ندارد (نیک فرجام، ۱۳۹۶، ۲۷).

## ۵-۲-۳. صدور اجرائیه علیه شخص حقوقی و

### نماینده

به امضای دارنده یا دارندگان حق امضا صادر می‌شود، از این شمول خارج است».

ملاحظه می‌شود که بر اساس دیدگاه دوایر اجرای ثبت، مقصود از مسئولیت تضامنی در قوانین اجرای ثبت، مواقعی است که صاحب حساب شخص حقیقی باشد و در مورد شخص حقوقی نظیر شرکت‌های خصوصی، در صورتی که چک صادره با امضای صاحب مجاز امضای شرکت، برگشت بخورد، مشمول قوانین اجرای ثبت نخواهد بود.

اما بعد از آن، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۶۴ سال ۱۳۷۱ بیان کرده است: «اجرائیه باید با توجه به صراحت ماده ۲۵۲ آئین‌نامه موصوف علیه امضاکنندگان مجاز چک و صاحب حساب متضامناً صادر شود».

با توجه به اینکه در وضعیت فعلی ماده ۱۹۰ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۸۷ نیز دقیقاً همان مفاد ماده ۲۵۲ مقررات پیشین را بیان کرده است؛ پس باید اذعان داشت که برابر صراحت آئین‌نامه مورد اشاره، اجرائیه باید به‌نحو تضامن علیه صاحب حساب و نماینده صادر شود.

با وجود اینکه در مقررات فعلی نمایندگان با صاحبان حساب به‌نحو تضامنی مسئولیت دارند و تنها در تعقیب کیفری می‌توانند با اثبات برخی موارد قانونی خود را از اتهام صدور چک بلامحل تبرئه کنند، واقعیت آن است که فرض مسئولیت تضامنی گرچه بعضاً منطقی است؛ چرا که امکان دارد دارنده چک را به اعتبار نماینده پذیرفته باشد؛ ولی در پاره‌ای موارد هم اساساً نمی‌توان تقصیری برای نماینده قائل بود و عدم پرداخت وجه چک را مربوط به نماینده

دانست (طاهری دادگر، ۱۳۹۰، ۹۸). به همین دلیل است که تدوین‌کنندگان لایحه قانون جدید تجارت، امکان وصول چک از طریق اجرای ثبت را تنها در رابطه با صاحب حساب اجرایی دانسته‌اند.

در همین راستا، ماده ۹ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ که جایگزین ماده ۲۳ سابق شده است نیز همان مفهوم مفاد ماده ۱۹۰ آئین‌نامه با تغییراتی در سیاق کلمات مقرر شده است که قابل توجه و به نظر دارای اثر قانونی است.

## ۶. نتیجه

نمایندگی در عملیات تجاری از جمله صدور، ظهنویسی اسناد براتی نیز قابل اعمال است. بنابراین، امضاهای متن و ظهر سند براتی چه به عنوان صدور، ظهنویسی و غیره ممکن است توسط نماینده و نه شخص اصیل انجام شود. نماینده صادرکننده در برات و سفته و نماینده ظهنویس در برات و سفته و چک هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده در فرض اختیار نماینده و ذکر سمت نمایندگی نخواهند داشت. ولی تبصره استثنایی ماده ۱۹ ق.ص.چ بر مبنای عرف حاکم بر مراودات اشخاص بر پایه چک مسئولیت نماینده را حتی در فرض فوق نیز قابل تحقق دانسته است که این به دلیل اهمیت بحث صدور چک و اعتبار شخص صادرکننده قابل تحلیل است. چنانچه شخصی بدون داشتن نمایندگی از طرف دیگری و یا خارج از حدود اختیارات محول شده، سند تجاری را امضا کند، در این صورت شخص امضاکننده باید مسئولیت ناشی از امضای خود را عهده‌دار شود و اصیل ادعایی مسئولیتی ندارد. عدم

تصریح به نمایندگی حین امضای سند نیز مسئولیت ناشی از امضای آن را متوجه نماینده امضاکننده می-کند. البته در این حالت باید برای اصیل نیز مسئولیت تضامنی پیش‌بینی شود تا ضمن حفظ منافع اشخاص ثالث، موجبات فرار اصیل از دین او مهیا نشود. به-خصوص در مورد اشخاص حقوقی که به بهانه‌های مختلف درصدد شانه خالی کردن از بار مسئولیت و احاله مسئولیت به نماینده هستند، چنین ترتیبی می‌تواند بسیار راهگشا باشد؛ چون در هر صورت اصیل به نماینده اختیار انجام عمل را اعطا کرده است.

## ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در نوشتن مقاله حاضر شرکت داشته‌اند.

## ۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

## منابع

## فارسی

- حسن‌زاده، حیدر، حقوق تجارت (اسناد تجارتي)، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.

- حسن‌زاده، حیدر، «ظهنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۳، ۱۳۸۷.

- حسینی، محسن، «نقش نمایندگی در اسناد تجاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.

- دهقان‌سرای، جواد، «اصول حاکم بر اسناد تجاری و بررسی ماهیت حقوقی مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری»، مجله حقوق دآوری، شماره ۲۸، ۱۴۰۰.

- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ نهم، نشر دادگستر، ۱۳۸۵.

- صقری، محمد، حقوق بازرگانی اسناد، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۸۸.

- طاهری دادگر، حمید، «تحلیل نوآوری‌های لایحه تجارت در زمینه چک و مقایسه آن با کنوانسیون ژنو و قانون نمونه آنسیترال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شاهد، ۱۳۹۰.

- عبدی‌پور فرد، ابراهیم؛ فتوحی‌راد، علی، «تحلیل اقتصادی اسناد تجاری به‌عنوان سیستم پرداخت»، دو فصلنامه دانش‌نامه حقوق اقتصادی، شماره ۹، ۱۳۹۵.

- کاویانی، کورش، حقوق اسناد تجاری، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.

- محسنی، سعید، مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی با رویکردی به شرکت‌های

- ابهری، حمید؛ فاطمیان، مسعود؛ حسنی، علیرضا؛ کی‌نیا، محمد، «مطالعه تطبیقی قواعد حاکم بر حقوق اسناد الکترونیکی از منظر قوانین ایران، مقررات آنسیترال و حقوق فرانسه»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۶.

- اخلاقی، بهروز، جزوه درسی حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم و سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- اسکینی، ربیعا، «اسناد بین‌المللی (کنوانسیون‌های ژنو ۷ ژوئن ۱۹۳۰)»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲، ۱۳۶۹.

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، ضمانت نامه، اوراق و چک)، چاپ بیست‌ودوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۵.

- امیر معزی، احمد، نیابت در روابط تجاری و مدنی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.

- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.

- پاسبان، محمدرضا، «زمان پیدایش شخصیت حقوقی و پیامدهای آن»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۱، ۱۳۸۹.

- حاجیانی، هادی، حقوق نمایندگی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانش‌نگار، ۱۳۸۶.

York, publication Wolters kluwer law & Business, 2012.

- Smith, J. E. & Soberman, D. A. & Easson, A. J, the Law and Business Administration in Canada- America- Pearson- Toronto, First edition, Toronto, publication University of Toronto, 2007.

- Walker, David M, the Oxford Companion Law, 4 edition, Oxford, publication Clarendon, 1980.

تجاری، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۱، ۱۳۹۳.

- محسنی، سعید، «مفهوم زیان تأخیر پرداخت قابل مذاکره (تحلیل اقتصاد اسناد تجاری به عنوان سیستم پرداخت)»، مجله حقوق عدالت، شماره ۶۹، ۱۳۹۱.

- نیکفرجام، کمال، «مطالعه تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲، ۱۳۹۶.

- نیکفرجام، کمال، «مطالعه تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری (برات، سفته و چک)»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲، ۱۳۹۲.

## لاتین

- Corley, Robert N & Shedd, Petter, Principles of Business Law, First edition, New Jersey, publication Prentice Hall, 2016.

- Govindarajan, M, "Joint Liability in Cheque Dishonour Cases", available at: [https://www.taxmanagementindia.com/visitor/detail\\_article.asp](https://www.taxmanagementindia.com/visitor/detail_article.asp), 2021, 9966.

- Lawrence, Lary, Payment Systems, First edition, New York, publication Wolters Kluwer, 2015.

- Mann, Richard A & Roberts, Barry S, Business Law and the Regulation of Business, 8 edition, New York, publication Thomson, 2005.

- Mc John & Stephen M, The Glannon Guide to Commercial Paper and Payment Systems, 2 edition, New